

تحلیل ارتباط میان مؤلفه‌های فرهنگ و ابعاد محیط مصنوع، نمونه موردی: خانه‌ای تاریخی در تبریز

علی اکبر حیدری^{۱*}، پریسا محمدحسینی^۲

۱۳۹۸/۰۱/۲۷

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۸/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله :

چکیده

رابطه میان فرهنگ و محیط مصنوع موضوعی است که پژوهش‌های زیادی را در سراسر جهان به خود اختصاص داده است. مظاهر فرهنگی که بیان‌های فرهنگ هستند در ساختار محیط مصنوع تجسم می‌یابند. شیوه زندگی و نظام‌های فعالیت منتج از آن آشکارترین مؤلفه‌ها و مظاهر فرهنگ می‌باشند. هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر این مؤلفه‌ها در ساختار کالبدی خانه، به‌عنوان محیط انسان‌ساخت برای امر سکونت، است. براساس آراء راپوپورت ساختار محیط مصنوع دارای چهار بعد فضا، زمان، معنی و ارتباطات است. در این راستا، پژوهش حاضر با انتخاب خانه نقشینه از دوره قاجار در شهر تبریز، به‌عنوان نمونه موردی، سعی در بررسی خانه از منظر این ابعاد دارد. به‌منظور انجام تحقیق از راه‌کار سه‌مرحله‌ای تفکیک، تحلیل و ترکیب، مطابق با روش پیشنهادی راپوپورت، سود جسته شده است: ابتدا ارتباط نظام‌های فعالیت (به‌مثابه نمودهای عینی فرهنگ) با مؤلفه‌های چهارگانه محیط تحلیل گردیده است. سپس فضاها، خانه از منظر الگوهای کالبدی و رفتاری مرتبط مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت پیوندهای اساسی ساختار خانه با فرهنگ طی سه پایش نظام‌های فعالیت، معانی ایزاری- کارکردی و نظام‌های ارزشی تبیین گردیده است. راهبرد پژوهش کیفی و روش تحقیق مورد استفاده توصیفی-تاریخی است. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات اسنادی، بررسی‌های میدانی و نیز انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با بازماندگان صاحبان خانه بود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که آنچه در ارتباط با فرهنگ و محیط در خانه نقشینه وجود دارد، حاصل همسازی چهار عامل فضا، زمان، معنی و ارتباطات با یکدیگر و نیز با نظام فعالیت‌های موجود در خانه است. در این خانه سازماندهی فضا و زمان با سطوح مختلف ارتباطات اجتماعی هم‌خوانی داشته و عامل معنی نیز نقش هدایت‌گر جنبه‌های دیگر را داشته است. در واقع می‌توان گفت مجموعه‌خانه نقشینه ترکیبی همگن از معانی عرفی، اعتقادی، زیستی، اجتماعی و ... بود که ظهور و بروز آنها در نظام‌های فعالیت و به‌تبع در فضاها و نظام کالبدی خانه شکل گرفته است.

کلمات کلیدی: فرهنگ، محیط مصنوع، خانه ایرانی، تبریز، راپوپورت

*۱ استادیار معماری، عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه یاسوج، (نویسنده مسئول)،

Aliakbar_heidari@yu.ac.ir

۲ پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

مقدمه

تمام ساخته‌ها و دست‌آوردهای بشر از جمله معماری منعکس‌کننده فرهنگ او است. فرهنگ مفهومی فراگیر و دربرگیرنده ابعاد درهم‌پیوسته، متکثر و متعامل است. ابعادی که شامل جهان‌بینی، ارزش‌ها، باورها و ابعاد اجتماعی است که در شیوه زندگی و نظام‌های فعالیت‌ها متبلور می‌گردد. در این میان، معماری مسکونی نسبت به دیگر انواع معماری، ارتباط میان کالبد بنا و شیوه زندگی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی را با وضوح بیشتری نمودار می‌سازد. در واقع، خانه به‌عنوان قدیمی‌ترین ملجأ زندگی آدمی، یکی از مظاهر گویای پیوند معماری و فرهنگ است. از طرفی، معماری در بستر محیط شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر دخل و تصرف انسان در محیط موجب پیدایی معماری می‌شود. محیط فیزیکی قابلیت‌ها و امکاناتی را تأمین می‌کند که از طریق آنها انسان به تصورات و دیدگاه‌های خود شکل می‌دهد. ازین‌رو، میان محیط و فرهنگ رابطه‌ای دوسویه برقرار است؛ فرهنگ واجد جنبه‌های غیرمادی سکونت و محیط محل تجسم این جنبه‌ها و واجد مؤلفه‌های فیزیکی و مادی است. تبیین نسبت این دو مفهوم، یعنی نحوه تأثیرپذیری و چگونگی رابطه محیط و فرهنگ حائز اهمیت است و می‌تواند در درک سازوکار این ارتباط کمک کند. کمااینکه، فهم معماری خانه از طریق فهم پیوند میان کالبد معماری و فرهنگ و زندگی جاری در آن ممکن می‌شود. این شناخت منجر به درک بیشتر برهم‌کنش‌هایی می‌شود که انسان میان محیط و فرهنگ برقرار می‌کند، ارتباطی که در معماری

سستی پررنگ‌تر و قابل توجه بوده و در دنیای معاصر تاحدودی از بین رفته است و در عدم ارتباط انسان با محیط خویش نمود یافته است. کشف این ارتباطات و سعی در تحکیم آنها یکی از نیازهای معماری معاصر است. نوشتار حاضر سعی بر آن دارد تا با شناخت نسبت میان شکل یک خانه در الگوی سنتی معماری ایرانی و شیوه زندگی ساکنین آن به عنوان یکی از وجوه عینی فرهنگ، به بررسی نحوه تأثیرپذیری این دو بر یکدیگر بپردازد. بر همین اساس خانه نقشینه به عنوان یک خانه قاجاری با الگوی سنتی در شهر تبریز به عنوان نمونه موردی انتخاب و با تحلیل همه جانبه ابعاد فرهنگی ساکنین آن، سعی در کشف ارتباط میان شکل خانه و بستر فرهنگی ساکنین آن می‌نماید. در این راستا، از آراء آموس راپاپورت به عنوان صاحب‌نظری که به موضوع برهم‌کنش معماری و فرهنگ در راستای مطالعات محیطی- رفتاری، پرداخته است، استفاده شده است. وی در این ارتباط روشی پیشنهاد می‌دهد که بر اساس آن طی یک فرایند سه‌مرحله‌ای، می‌توان به نسبت میان فرهنگ و شکل محیط مصنوع به ویژه در ارتباط با الگوهای سکونتی پی برد. بر همین اساس در نوشتار حاضر روش پیشنهادی راپاپورت با مختصات مصداق مورد مطالعه تطبیق داده شده و روش تحقیق مقاله بر این مبنا تبیین گردیده است. در مرحله گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزارهایی چون مصاحبه، بررسی‌های میدانی، و مطالعات اسنادی، مؤلفه‌های فرهنگی و محیطی استخراج گردیده و مطابق با سه‌گانه روش راپاپورت که شامل تفکیک، تحلیل و ترکیب



در (1966; Ece Postalci & Atay, 2019).

دیدگاه پدیدارشناسی، گاستن باشلار تقسیم‌بندی خانه و غیرخانه در فضای جغرافیایی را چون تقسیم‌بندی خویشتن و ناخویشتن در فضای روح دانسته است. خانه به زیبایی نشان می‌دهد که انسان چگونه به خود می‌نگرد: اندرونی صمیمی یا خویشتن که تنها بر کسانی که به درون آن دعوت می‌شوند آشکار می‌گردد و نمای بیرونی که در معرض دید همگان قرار می‌گیرد (باشلار، ۱۳۹۱).

شولتز نیز با بررسی مفهوم خانه و سکونت در سطوح وجودی انسان، خانه را مؤید هویت‌های تک افتاده انسان‌ها و مکانی برای جستجوی هویت و امنیت معرفی می‌کند (شولتز، ۱۳۸۲: ۴۵).

بررسی مؤلفه‌ها و جنبه‌های مرتبط با مفهوم خانه روشی عام به منظور شناخت خانه است. در بررسی خانه از منظر فرهنگی، از مؤلفه «روش زندگی» به عنوان شاخصی بسیار مهم برای فهم رابطه انسان و کالبد خانه یاد شده است به نحوی که استفاده از این موضوع در تحقیقات بسیار زیادی مورد توجه قرار گرفته است (افشاری و دیگران، ۱۳۹۴؛ افشاری و پوردهییمی، ۱۳۹۵؛ یزدانفر و ضرابی‌الحسینی، ۱۳۹۴؛ حایری، ۱۳۸۸).

ویژگی‌های شیوه زندگی و سیستم‌های فعالیت ناشی از آن به ویژگی‌های خاص استقرارها و محیط‌ها می‌انجامد (مداحی و معماریان، ۱۳۹۷).

لارنس در زمینه شیوه زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا بر این اعتقاد است که به منظور درک معانی نهفته در طراحی خانه، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانون‌مندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند (Lawrence, 1995). آموس راپاپورت نیز با تکیه

می‌باشد، این مهم مورد بررسی قرار گرفته است. با این توصیفات اهداف پژوهش حاضر شامل دستیابی به بینشی جامع از نسبت محیط مصنوع و فرهنگ در یک خانه سنتی و نیز آزمون روش پیشنهادی راپاپورت جهت تسهیل بررسی رابطه میان معماری و فرهنگ می‌باشد.

پرسش‌های تحقیق

- تحقیق پیش‌رو در پی پاسخ به سؤالات زیر است:
۱. فرهنگ ساکنان یک خانه از چه طرفی و چگونه با محیط مصنوع آن خانه مرتبط است؟
 ۲. محیط مصنوع خانه نقشینه چگونه فرهنگ ساکنان خود را متجلی کرده است؟
 ۳. پیوندهای اساسی در نسبت فرهنگ و محیط مصنوع در خانه نقشینه کدامند؟

پیشینه تحقیق

مفهوم خانه به علت چندبعدی بودن آن از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. تنوع ادبیات مربوط به خانه با تنوع ابعاد وجودی انسان مرتبط است، ابعادی که جنبه‌های فیزیکی-زیستی تا جنبه‌های غیرمادی را دربرمی‌گیرد. برخی با روش نحو فضا جنبه اجتماعی خانه را در ارتباطات میان فضاها جستجو کرده‌اند (Asif et al., 2018).

برخی به جنبه‌های روان‌شناسانه خانه در بستر تغییرات اجتماعی توجه دارند (Gauvain et al., 1983). کوپر مارکوس با استفاده از نظریه‌های روانشناسی یونگ به رابطه روان انسان با محیط به ویژه خانه، در عمق روان انسان و در تاریخ، به مفهوم نمادین خانه در روان انسان به عنوان بیان «خویشتن» اشاره می‌کند (Cooper_Marcus, 1995). از طرفی، خانه می‌تواند به‌مثابه ابزاری برای بیان هویت آدمی تلقی گردد (Rainwater,



بر مفهوم شیوه زندگی به عنوان یکی وجوه نمود- پذیری فرهنگ، به بررسی رابطه میان انسان و محیط مصنوع و نحوه تاثیرگذاری این دو بر یکدیگر می‌پردازد. این دیدگاه تاکنون هدایت‌گر بسیاری از پژوهش‌ها بوده است (پوردیهیمی، ۱۳۹۰؛ لیبزاده و دیگران، ۱۳۹۴؛ خاکپور و دیگران، ۱۳۹۴). در این پژوهش‌ها، موضوع تاثیرپذیری محیط مصنوع از عوامل فرهنگی- اجتماعی ساکنین آن مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال اغلب این تحقیقات از دیدگاه راپوپورت تنها در حوزه تبیین مبانی نظری تحقیق خود سود جسته‌اند، و به ندرت روش ارائه شده توسط وی را به‌کار گرفته‌اند. از این رو در نوشتار پیش رو نه تنها از مبانی نظری منبعث از دیدگاه راپوپورت بلکه از روش پیشنهادی وی به منظور مطالعه نسبت میان شکل خانه و فرهنگ ساکنین آن بهره گرفته می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

فرهنگ

نقش فرهنگ در مطالعات محیطی- رفتاری بسیار مهم برشمرد می‌شود. محیط مصنوع حتی در وسیع‌ترین معنای آن بخش کوچکی از کلیت فرهنگ و زیرمجموعه‌ای از آن است. از این رو، برای فهم محیط مصنوع آشنایی با فرهنگ زمینه‌ای آن لازم می‌نماید. تفکیک فرهنگ به اجزای مشخص می‌تواند شیوه‌ای مناسب برای فهم آن باشد. گرچه مفهوم فرهنگ تاحدی گنگ می‌نماید، تأثیرات، مظاهر و بیان‌های آن عینی و قابل درک است (Rapoport, 2003: 131). راپوپورت تفکیک فرهنگ به اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده را در دو مسیر پی می‌گیرد که هرکدام زمینه پاسخ به

یکی از مسائل اساسی فرهنگ را مهیا می‌سازد؛ مسئله کلی بودن بسیار و مسئله انتزاعی بودن بسیار. این دو مسیر متفاوت در عین حال مکمل نیز هستند و تعاملی چندگانه دارند. لذا لازم است که این دو مسیر هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند. راپوپورت سعی کرده است در نموداری موضوع تفکیک فرهنگ را به‌صورت خلاصه بیان کند (شکل ۱).

در شکل ۱ نظام‌های فعالیت ملموس‌ترین مؤلفه منتج از فرهنگ است که متأثر از شیوه زندگی است. شیوه زندگی، روش‌های مختلف استفاده از مواد، محل‌ها و زمانی که آنها صرف می‌کنند را مشخص می‌کند. به بیانی دیگر چگونگی استفاده از فضاها در زندگی روزمره را تعیین می‌نماید. آنچه که انسان در زندگی روزانه خود به انجام می‌رساند، انتظام بخشیدن به روش استفاده فضاها است (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۱۵). برای فهم چگونگی تأثیر نظام‌های فعالیت در محیط مصنوع، می‌توان آن را به سلسله مراتبی تفکیک کرد که شامل موارد زیر است: ۱- فعالیت محض؛ ۲- چگونگی انجام دادن آن؛ ۳- چگونگی همکاری آن با فعالیت‌های وابسته، در راستای شکل‌دهی به نظام فعالیت‌ها؛ ۴- معنی فعالیت (Rapoport, 2003: 69). این مدل برای تمام فعالیت‌ها، هرچند ساده، قابل استفاده است. نکته مهم این است که هرچه از جنبه کارکردی به سمت وجوه پنهان فعالیت یا عملکرد پیش رویم میزان تنوع افزایش می‌یابد. تنوع در موارد ۲، ۳ و ۴ علت اصلی تنوع فعالیت‌ها به‌شمار می‌رود که به‌تبع در تنوع مفرها، موقعیت‌ها و ارتباط ما بین آنها نیز تأثیرگذار است (Rapoport, 2003: 72) به‌غیر از فعالیت محض که وابسته به

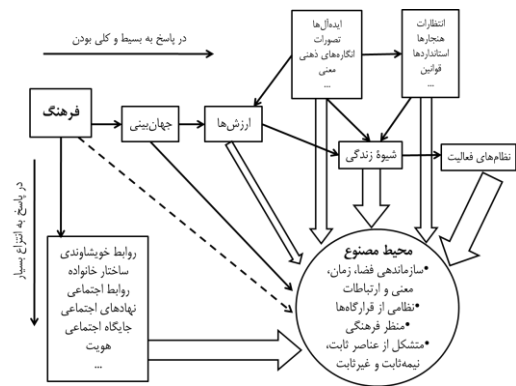


زندگی را متأثر می‌سازد (افشاری و دیگران، ۱۳۹۴: ۵). انسان‌ها پیوسته با تجرید و ایجاد قالب‌های ذهنی در پی تنظیم روابط خود با محیط و سازمان دادن به آن هستند (نامداری و شکوری، ۱۳۹۷). راپوپورت مفهوم محیط را با چهار شیوه متفاوت و در عین حال مکمل و هماهنگ، تعریف کرده است. محیط به‌مثابه: (۱) ساماندهی فضا، زمان، معنی و ارتباطات؛ (۲) نظامی از مقرها؛ (۳) منظر فرهنگی؛ (۴) متشکل از عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت (Rapoport, 2003: 160). این تعاریف در واقع وجوه مختلف مفهوم محیط را از زوایای مختلف به تصویر می‌کشد.

در این نوشتار از تعریف اول محیط بهره گرفته شده است. این تعریف علاوه بر فضا که جزء لاینفک محیط است، به عوامل زمان، معنی و ارتباطات نیز اشاره می‌کند که کمتر مورد توجه گرفته‌اند. محیط‌های مصنوع مجموعه‌های کم‌وبیش پیچیده از سیستم‌های فضایی هستند که بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، یکدیگر را می‌پوشانند، در یکدیگر تداخل می‌کنند و با یکدیگر به رقابت می‌پردازند (گروتس، ۱۳۸۳: ۱۸۸). فضاها محل روی دادن رفتارها و فعالیت‌ها هستند. از طرفی، فعالیت‌های انسان زمان‌مند هستند زمان‌بندی فعالیت‌های انسان انعکاسی از شیوه زندگی و نحوه معیشت او است.

مرزهای فضایی و زمانی برای بیان معانی ذهنی انسان هستند، تا مطلوبیت لازم برای رویدادهای درون آن پیش آید. بنابراین این ارتباط لاجرم غیرمستقیم، غیرکلامی و مطمئن خواهد بود (افشاری و دیگران، ۱۳۹۴: ۸). لارنس نیز اذعان می‌دارد که به منظور درک معانی نهفته در خانه، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها و ارتباطات در محیط‌های مسکونی مورد تجزیه و

جنبه ثابت و نوعی انسان است، موارد دیگر تحت تأثیر فرهنگ قرار دارند. در سوی دیگر متغیرهای اجتماعی وجود دارند. فرهنگ بستری برای متغیرهای اجتماعی محسوب می‌شود. تأثیر متغیرهای اجتماعی به‌ویژه روابط خویشاوندی و ساختار خانواده در سکونتگاه و خانه بسیار مشهود است. روابط اجتماعی در نوع استفاده از فضاها در خانه و شهر تأثیر می‌گذارد. محدوده شبکه‌های اجتماعی و گسترش فضایی آنها مهم است و بر اساس میزان اهمیت و روی‌دادگی در الگوهای سکونت مؤثرند (Rapoport, 2003: 188). گاه روابط اجتماعی مکان‌هایی خاص را تعریف می‌کنند و برعکس. نوع این روابط و چگونگی شکل‌گیری و روی‌دادن آنها کیفیت فضاهای مرتبط و کاربرد آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



شکل ۱. نمودار تفکیک فرهنگ؛ ارتباط متغیرها با یکدیگر و با محیط مصنوع نشان داده شده است (Rapoport, 2003: 166).

محیط

سازگاری درونی انسان با محیط مؤثر پیرامون، براساس قراردادهای فرهنگی در گذر زمان شکل تقریباً ثابتی به خود می‌گیرد و دیگر وجوه زندگی انسان شامل جهان‌بینی، نظام‌های ارزشی و روش



و مظاهر و طرق ارتباطی آنها (تحلیل) و سپس جمع‌بندی و ترکیب مجدد اجزا و متغیرها، روشی بسیار مناسب و کارآمد است (Rapoport, 2003). (160) از آنجا که کلی‌نگری در رابطه با برخی مفاهیم ناممکن و یا دشوار و نامحتمل است، کاربرد این راهکار سه‌مرحله‌ای، که به عبارتی کلی‌نگری علمی خوانده می‌شود، شیوه‌ای درخور محسوب می‌گردد. تصویری که در نهایت از تجمیع متغیرها به دست می‌آید می‌تواند بسیار نزدیک به کلیت مفهوم باشد؛ تصویری که با شناخت و تحلیل مناسبات اجزا همراه باشد.

پس از تشریح مفاهیم محیط و فرهنگ و روش پیشنهادی راپوپورت مبتنی بر تفکیک مفاهیم، می‌توان مبانی نظری تحقیق را از این منظر تبیین و ترسیم کرد (شکل ۲).



شکل ۲. دیاگرام مبانی نظری تحقیق برای نمایش نحوه ارتباط محیط و فرهنگ (مأخذ: نگارندگان، براساس آراء راپوپورت)

روش تحقیق

راهبرد کلی تحقیق تفسیری-تاریخی است؛ چراکه روند تحقیق جستجوی پدیده‌ای اجتماعی-کالبدی در زمینه‌ای پیچیده، با جهت‌گیری تبیینی-روایی و کل‌نگر است که مربوط به موضوعی در زمان گذشته است (گروت و وانگ، ۱۳۸۸: ۱۳۶). پدیده مورد مطالعه، خانه نقشینه، خانه‌ای قاجاری در تبریز است که آثار مادی و معنوی چندی از آن برجای مانده است. به منظور انجام تحقیق لازم بود در ارتباط با دو موضوع فرهنگ و شیوه زندگی ساکنین خانه نقشینه در بستر زمانی آن از یک‌سو و نیز ویژگی‌های کالبدی-فضایی خانه از سوی

تحلیل قرار گیرند (Lawrence, 1995). در قرارگاه‌های رفتاری «بعد معنایی ویژه‌ای» وجود دارد که به فرهنگ کاربران وابسته می‌گردد و نوع استفاده از آنها، مکان قرارگیری، نحوه همجواری‌شان و وسعت کل سیستم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴). چیزها بر پایه معانی استنباط می‌شوند. مردم نسبت به محیط زندگی‌شان براساس معانی که آن محیط در ذهنشان تداعی می‌کند واکنش نشان می‌دهند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۳۸۷). معنی دارای درجاتی مختلف است. راپوپورت برای معنی سه سطح متفاوت قائل است: معانی سطح بالا مضامینی نظیر کیهان‌شناسی‌ها، انگاره‌های فرهنگی، جهان‌بینی‌ها، و بازتاب‌های نظام‌های فلسفی هستند. معانی سطح میانی به مفاهیمی چون هویت، قدرت، موقعیت، ثروت و... مربوط می‌شوند. و در نهایت معانی متداول و روزمره سطح پایین وجود دارند که به ما می‌گویند کجا راه برویم، کجا بنشینیم و مانند آن (Rapoport, 1992: 99). در این میان رسوم و شیوه زندگی که نقش محوری ایفا می‌کنند، می‌توانند در کشف شیوه استفاده از فضاها بسیار سودمند باشند. در رابطه با موضوع ارتباطات، از آنجا که هدف و نقش مسکن ایجاد یک نهاد اجتماعی است (راپوپورت، ۱۳۸۸: ۸۲)، می‌توان ارتباطات انسانی را در سطوح مختلف خانوادگی، خویشاوندی و همسایگی، و عمومی بررسی کرد. چراکه روش زندگی اجتماعی و انتظام مفرهای رفتاری در مقیاس‌های مختلف روی می‌دهد.

روش پیشنهادی راپوپورت

راپوپورت معتقد است که مطالعه مفاهیم بسیار متنوع و وسیع از طریق تفکیک^۲ آنها، و مطالعه اجزا



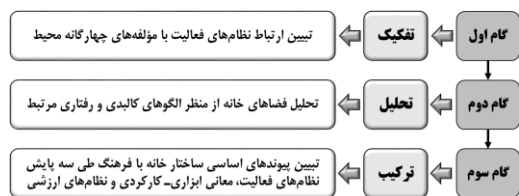


دیگر، اطلاعاتی گردآوری شود. به منظور گردآوری اطلاعات در ارتباط با ویژگی‌های کالبدی-فضایی خانه، از شیوه بازدید مستقیم از محل و آثار به جای مانده و نیز بررسی اسناد و نقشه‌های ثبت شده در سازمان‌های مربوطه استفاده شد. اما در ارتباط با مطالعات فرهنگی ساکنین، از روش مصاحبه شفاهی نیمه‌ساختار یافته بهره گرفته شد. البته لازم به ذکر است که از آنجا که در حال حاضر بیش از یک نسل از زندگی جاری در زمان قاجار می‌گذرد لذا افراد مورد مصاحبه شامل کسانی بودند که در نهایت دوره پهلوی اول را درک کرده‌اند و خاطراتی از زندگی ساکنان قاجاری در خانه دارند. به همین منظور گردآوری اطلاعات در این بخش از طریق مصاحبه باز با بازماندگان و نوادگان صاحبان اصلی خانه صورت گرفت و از آنها خواسته شد که تجارب و خاطرات خود را از شیوه زندگی نسل‌های پیشین ساکن در خانه بازگو نمایند. به‌منظور آشنایی با بستر فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی شهر تبریز و تبریزیان دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی مطالعات مقدماتی انجام گردید.

در راستای عمل به سه‌گانه تفکیک، تحلیل و ترکیب، تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه گام انجام گردیده است (شکل ۳): نخستین گام در فرایند پژوهش، استخراج نظام‌های فعالیت در خانه بوده است. بر این اساس انواع فعالیت‌های مختلفی که به‌صورت معمول در زندگی روزمره در خانه انجام می‌شدند، به‌عنوان بیان عینی فرهنگ استخراج گردید. هم‌زمان با استخراج نظام‌های فعالیتی در خانه، مواردی چون چگونگی انجام فعالیت، فعالیت‌های همراه و معنای فعالیت نیز مورد بررسی قرار گرفت. سپس نظام‌های فعالیتی به دست آمده

در ارتباط با مؤلفه‌های چهارگانه محیط شامل "فضای انجام فعالیت"، "زمان انجام فعالیت"، "معنای فعالیت" و "نظام ارتباطی مربوط به فعالیت"، مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج بررسی ارتباطات در قالب جداولی تنظیم گردید. نکته حایز اهمیت در تفکیک محیط به چهارگانه مذکور، توجه هم‌زمان به دو جنبه فیزیکی یا محسوس محیط شامل فضا و زمان و جنبه‌های غیرفیزیکی محیط شامل معنی و ارتباطات است (مرحله تفکیک).

در گام دوم فضاهای خانه از منظر الگوهای کالبدی و رفتاری مرتبط با آنها، از طریق بررسی ارتباط اجزا باهم در جزء و کل و تأثیرات آنها بر یکدیگر، و تحلیل کاربرد فضاها و رفتارهای وابسته به آنها مورد تحلیل قرار گرفت (مرحله تحلیل). در گام سوم با نگاهی کل‌نگر سعی شد ترکیب و تعمیمی حاصل شود که طی آن پیوندهای اساسی میان فرهنگ و شکل خانه تبیین گردد. در این راستا پیوندهای اساسی ساختار خانه با فرهنگ طی سه پایش نظام‌های فعالیت، معانی ابزاری-کارکردی و نظام‌های ارزشی تبیین گردیده است (مرحله ترکیب). پایش‌های سه‌گانه به عبارتی معانی سه‌گانه (روزمره، میانی و بالا) می‌باشند که در ارتباط با الگوهای کالبدی اصلی خانه تعریف و تبیین شده‌اند.



شکل ۳. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر روش سه‌گانه راپوپورت (مأخذ: نگارندگان)

بحث

از آنجاکه موضوع خانه و زندگی در آن را نمی‌توان بصورت منفک از بستر پیرامون آن در نظر گرفت، به‌منظور آشنایی با بستر زمانی و مکانی مصداق لازم بود مطالعات مقدماتی صورت گیرد. ویژگی‌های جغرافیایی، اقلیمی، اقتصادی و ... در فرهنگ و نحوه معیشت مردمان منطقه تأثیر گذاشته و موجب بروز برخی خصیصه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی در آنها شده است.

محدوده مورد مطالعه: تبریز

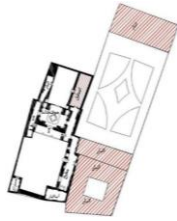
شهر تبریز در شمال غربی ایران در منطقه‌ای کوهستانی و حاصلخیز قرار دارد و از دیرباز دارای شرایطی مناسب برای سکونت بوده است. تبریز دارای موقعیت جغرافیایی مناسب در تلاقی راه‌های مهم سرزمینی، و برخوردار از کشاورزی غنی و بازاری با ارتباطات چندسویه (افشار سیستانی، ۱۳۸۶؛ سلطان‌زاده، ۱۳۷۶)، و در معرض استقبال از جهان و رویارویی با تازگی‌ها به‌خصوص در دوره قاجار بوده است (سرداری نیا، ۱۳۸۱). تبریز در این دوره به‌علت موقعیت ویژه سیاسی و اقتصادی آن، دارالسلطنه حکومت قاجار بود (مشکور، ۱۳۵۲). تبریزیان واجد ویژگی‌های فرهنگ ایرانی بوده‌اند؛ مهمان‌نوازی، تعارف و احترام به یکدیگر، حفظ ارزش‌های خانواده و نام و اعتبار خانوادگی و التزام به رعایت آداب و سنن و عرف‌های اجتماعی و قوانین مذهبی، از ویژگی‌های برجسته تبریزیان دوره قاجار و به‌طریقی پس از آن است (اردوبادی، ۱۳۸۴). تجربه زیستن در شهر تبریز با ویژگی‌های خاص تاریخی، اقلیمی و جغرافیایی، چون وجود زمستان‌های طولانی، خطر قحطی و غارت و تهاجم، و خطر دائمی وقوع زلزله، تبریزیان را ملزم

به استفاده از تدابیر و راهکارهایی برای سکونت در این سرزمین کرده است. که می‌توان به ضرورت تهیه، آماده‌سازی و ذخیره مواد غذایی و هیزم برای زمستان و مواقع سختی، آداب و رسوم شب‌های زمستان، سازه مستحکم بنا در برابر خطرات زلزله، توجه به نیاز گرمایی بنا در زمستان‌های طولانی و ... اشاره نمود (عمرانی و اسمعیلی سنگری ۱۳۸۴: ۱۲۴-۱۳۲).

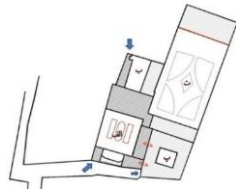
معرفی مصداق: خانه نقشینه

خانه نقشینه در محله قدیمی چهارمنار^۳ قرار دارد (اشکال ۴، ۵). مجموعه خانه نقشینه طی دادوستد و نسبت سببی به دو برادر اصفهانی، حاج محمدعلی (پدربزرگ محمد نقشینه، صاحب فعلی خانه) و برادرش حاج محمدکاظم نقشینه، رسید. این دو برادر از اصفهان به قصد تجارت به تبریز مهاجرت کرده بودند. دو برادر به‌همراه خانواده‌هایشان در مجموعه‌خانه‌ای که شامل دو خانه بود، زندگی می‌کردند. گرچه هر کدام از برادرها مالک یکی از خانه‌ها بود، اما این دو برادر به‌همراه خانواده‌های خود از این دو خانه، که در مجموع دارای چهار حیاط بود، به‌صورت مشارکتی استفاده می‌کردند (اشکال ۶، ۷، ۸، ۹). به این صورت که خانه کنونی که متعلق به محمدعلی نقشینه بود و حیاط بیرونی آن که دسترسی مشخص‌تری به گذر داشت، بیرونی کل مجموعه‌خانه محسوب می‌شد؛ خانه محمدکاظم نقشینه، به‌ویژه حیاط کوچک آن نیز چون اندرونی برای هر دو خانه و محل اصلی فعالیت‌های روزانه و زندگی اعضای خانواده بود. درحقیقت خانواده‌های دو برادر به‌همراه پسران و عروس‌ها و خدمتکاران که تعداد بالنسبه زیادی بودند چون یک خانواده گسترده بزرگ در این

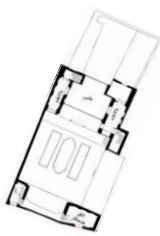




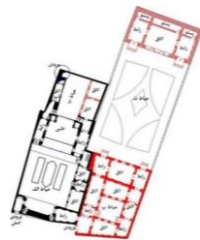
شکل ۶. مجموعه‌خانه
نقشینه (ترسیم توسط
نگارندگان، براساس
عکس‌های هوایی سال
۱۳۳۵ و ۱۳۴۵)



شکل ۷. پلان زیرزمین خانه
نقشینه (مأخذ: سازمان میراث
فرهنگی آذربایجان، ترسیم
نگارندگان)



شکل ۹. پلان طبقه اول خانه
نقشینه (مأخذ: سازمان
میراث فرهنگی آذربایجان،
ترسیم نگارندگان)



شکل ۸. پلان همکف خانه
نقشینه (مأخذ: سازمان میراث
فرهنگی آذربایجان، ترسیم
نگارندگان)

چهار حیاط زندگی جمعی خود را می‌گذراندند. پس از این دو برادر پسران آنها این سنت را ادامه دادند. با این حال در اواخر دوره پهلوی در پی تغییر در نظام معیشت و ساختار خانواده، ساختار خانه نیز رو به تفکیک شدن گذاشت. با نظر به اینکه اکنون حیاط‌های ب و پ تخریب شده است، براساس توصیفات اهالی خانه کروکی اجمالی از فضاهای طبقه همکف این دو حیاط ترسیم گردیده است (شکل ۸).



شکل ۵. مجموعه‌خانه
نقشینه. در عکس هوایی
سال ۱۳۴۵. (مأخذ:
سازمان میراث فرهنگی
آذربایجان)



شکل ۴. موقعیت مجموعه‌خانه
نقشینه در کوی چهارمنار
(مأخذ: فخار تهرانی و دیگران،
۱۳۸۴: ۲۴).

را شکل می‌دهند؛ مانند فعالیت آشپزی که شامل آماده‌سازی مواد، خرید، طبخ، نظارت، ذخیره، تهیه سوخت و بوده است. این فعالیت‌های وابسته در فضاهای مرتبط و در زمان‌ها و نظام ارتباطی خاص خود رخ می‌دهند (تفکیک چهارگانه فعالیت). لذا در نهایت پس از جمع‌بندی داده‌ها تعداد محدودی نظام فعالیتی به‌دست آمده است. ارتباط این مظاهر فرهنگی با محیط براساس تفکیک محیط به فضا، زمان، معنی، و ارتباطات بررسی شده است (جداول ۱ و ۲). در رابطه با تبیین ارتباط نظام‌های فعالیت با چهارگانه محیط در مقوله "فضای انجام فعالیت"، دو موضوع محل انجام فعالیت و فضاهای ملازم با فعالیت مورد بررسی قرار گرفت. در ارتباط با مقوله

تجزیه و تحلیل داده‌ها

گام اول: تفکیک

در این گام اطلاعاتی که از زندگی در خانه نقشینه در دوره قاجار براساس مطالعات مقدماتی، مصاحبه، و مشاهده بدست آمده، در جداولی تنظیم گردیده است. نحوه تنظیم جداول مطابق با چارچوب عنوان شده در روش تحقیق است. فعالیت‌های معمول صورت گرفته در خانه به‌عنوان نظام‌های فعالیت در نظر گرفته شده است که مطابق دیگرام پیشنهادی راپاپورت (شکل ۱)، مظاهر فرهنگ محسوب می‌شوند. هر نظام فعالیت خود مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و قرارگاه‌های رفتاری است که با همکاری با هم، مجموعه یا نظام فعالیت



"زمان انجام فعالیت" سه مقیاس روزانه، ماهانه و سالانه مورد سنجش قرار گرفت. در ارتباط با "معنی فعالیت" سه سطح شامل معانی سطح بالا، معانی سطح میانی و معانی روزمره مورد بررسی قرار گرفت. در حوزه "ارتباطات" نیز روابط

جدول ۱. تبیین ارتباطات نظام‌های فعالیت با فضا و زمان (تنظیم: نگارندگان)

| | زمان | | | فضا | |
|------------|--|---|---|--|--|
| | سالانه | ماهانه | روزانه | فضاهای وابسته | فضای انجام فعالیت |
| آشپزی | طبخ آذوقه سالانه چون گوشت قرمه و مربا و ...؛ طبخ مقدار زیاد غذا در ماههای محرم و صفر و میهمانی‌های عزا و شادی و مناسبت‌های مختلف چون عیادت بیمار و ... | پخت نان و فطیر برای مصرف چند ماهه توسط نانوایان، که اغلب زن بودند. | آماده کردن وعده‌های غذایی برای اهالی مجموعه‌خانه و اغذیه پذیرایی از مهمان که توسط آشپز و خدمتکاران و با نظارت خانم بزرگ یا مردان ارشد خانه انجام می‌شد. | آب‌انبار و انبار آذوقه و هیزم در زیرزمین برای دسترسی به مواد اولیه؛ طاقچه‌ها و فضاهای اجاق‌ها و ظروف؛ اتاق آشپز در حیاط ب؛ تنورخانه در اندرونی | مطبخ در زیرزمین شرقی بیرونی و مرتبط با اندرونی با اجاق‌هایی با سوخت هیزم؛ و حیاط ب برای طبخ مقدار زیاد غذا. |
| تهیه آذوقه | تهیه انواع ترشیجات، مرباهای غوره، کشمش، دوشاب، پنیر، روغن، گوشت قرمه، خشک کردن سبزی و میوه و ... برای مصرف سالانه | اغلب فعالیت‌ها در ماه‌های تابستان و اوایل پاییز اتفاق می‌افتاد. | این فعالیت بسته به شرایط مناسب زمانی و در دوره زمانی مشخص بصورت روزانه، انجام می‌شد. | زیرزمین‌های اندرونی و بیرونی، فضاهایی تودرتو و پیوسته با جرزهای قطور که تمام زیربنای خانه را دربرمی‌گیرد، برای ذخیره مواد غذایی؛ صندوق‌های چوبی برای ذخیره نان و کوب‌ها (کوزه‌های سفالی بزرگ) برای گوشت قرمه و پنیر و ... نکته: غالباً مواد غذایی مانند میوه و حبوبات و گوشت از روستا و باغات شخصی تأمین می‌شد. | حیاط‌های ب و ت و مطبخ برای آماده‌سازی یا طبخ مواد خوراکی قابل ذخیره. |
| غذا خوردن | سرو اغذیه خاص در مواقع خاص مانند نوروز و یلدا و لیل‌الرغایب و ... | تداوم فعالیت | خوردن وعده‌های غذایی روزانه و میان وعده | مطبخ؛ آب‌انبار؛ و حوض‌ها برای شستن دست‌ها | اتاق‌های نشیمن اندرونی و بیرونی و طنبی که تماماً مفروش بودند؛ حیاط الف در هنگام اطعام عمومی نذری |
| تأمین آب | استفاده از آب‌انبار، و آب حوضخانه در زمستان برای شستشوی ظروف، البسه و ... به علت یخ زدن آب آن | پر کردن آب‌انبار از آب قنات توسط میرآب که چندین بار در ماه انجام می‌شد. | مصرف روزانه آب برای آشپزی و آشامیدن، نظافت و ... | ساخت آب‌انبار در بیرونی خانه در مکانی که امکان سوار شدن آب قنات بر آن باشد | آب‌انبار، فضایی مشترک بین بیرونی و اندرونی، با طاق گهواره‌ای و جرزهای قطور در زیرزمین حیاط الف؛ حوض‌ها |
| خوابیدن | تداوم فعالیت | تداوم فعالیت | تداوم فعالیت بصورت شبانه؛ و ببقوله‌های نیمروزی | پستوها برای نگهداری ملزومات خواب در روز؛ تخت‌های حیاط‌های الف و ت که دارای حوض و باغچه و باصفا بودند. برای استراحت عصرگاهی در تابستان. | اهالی خانه اغلب در اتاق‌های اندرونی؛ مهمانان در اتاق‌های کله‌ای و بیرونی؛ و خدمتکاران در اتاق‌های خدمتکاران می‌خوابیدند. |



| | | | | | |
|------------------|--|--|--|--|---|
| پذیرایی از مهمان | فضاهای خانه بیرونی بوژه طنبی با ارسی بزرگ، چراغ‌دان‌ها و بخاری دیواری مزین و گچ‌بری شده، انواع لامپ‌ها و لاله‌ای‌ها و ظروف نقیس که در طاقچه‌ها گذاشته می‌شد، آویزهای سقفی، فرش، زیرانداز و پشتی برای نشستن و تکیه دادن مهمانان؛ اتاق بزرگ در اندرونی (حیاط ت و پ)؛ و حیاط الف. | مطبخ و جایخانه؛ باز کردن درهای اتاق‌ها و ایجاد فضایی پیوسته؛ حیاط الف با پوشش چادر، و بام مشترک اندرونی برای نشستن زنان در عزاداری‌ها؛ اصطبل بزرگ برای اسب‌های مهمانان | آدم‌شود هم‌روزه افراد به خانه | برگزاری دوره‌ها و مراسم جداگانه برای زنان و مردان | خیرات و نذری دادن در عزاداری محرم و صفر؛ مهمان‌داری در اعیاد و مناسبت‌های سالانه |
| نظافت | تمام فضاهای خانه بیرونی و اندرونی و حیاط‌های الف و ت برای نشستن فرش و پشم و ... | اتاق‌های خدمتکارها؛ آب‌انبار و حوض‌های آب؛ دو مستراح یکی در خانه بیرونی زیر هشتی و دیگری در گوشه حیاط ت. | همه‌روزه انجام می‌شد. | تمیز کردن و گردگیری فضاهای خانه پیش از محرم و صفر و ماه رمضان | خانه‌تکانی پیش از عید نوروز، و تمیز کردن خانه پیش از محرم و صفر و ماه رمضان |
| سرگرمی | اتاق‌های بزرگ اندرونی و بیرونی؛ حیاط‌ها | اتاق کرسی؛ اتاق‌های کله‌ای (بالا‌خانه) و سایر فضاها | بازی روزانه کودکان در حیاط‌ها (دختران در اندرونی) در مواقع گرم سال و در زمستان در اتاق‌ها. | دوره‌می‌های گاه به گاه زنانه و مردانه | شب‌نشینی‌های زمستان دور کرسی؛ مراسم متنوع عروسی، عید نوروز و یلدا و دیگر جشن‌ها |

ابعاد معنایی و اجتماعی هستند و در نوع و چگونگی انجام فعالیت مستتر می‌باشند و گاه به‌مثابه تعریف‌کننده کم‌ویف فعالیت نیز عمل می‌کنند.

در جدول ۲ به رابطه میان نظام‌های فعالیت با معنی و ارتباطات پرداخته شده است. ازین‌رو برخلاف جدول ۱، در اینجا بیشتر جنبه‌های غیر کالبدی فعالیت‌ها مدنظر است. جنبه‌هایی که واجد

جدول ۲: تبیین ارتباطات نظام‌های فعالیت با معنی و ارتباطات (تنظیم: نگارندگان)

| | معنی | | | ارتباطات | |
|------------|--|---|---|---|--|
| | روزمره | سطح میانی | سطح بالا | خویشاوندی و همسایگی | عمومی |
| آشپزی | آشپزی مفصل روزانه برای مهمانان هم‌روزه و اعضای بالنسبه زیاد خانواده | لزوم وجود دائمی خانه اعیان | نعمت و برکت در خانه | در مواقع نیاز برای طبخ مقدار زیاد غذا گاه اعضای خانواده گسترده که خویشاوند نیز بودند مشارکت می‌کردند. | طبخ نذری و خیرات گاه با مشارکت افرادی غیر از اهالی خانه انجام می‌شد، گرچه این کار نیز توسط خدمتکاران انجام می‌شد. نکته: در این محله بیشتر از خود اهالی کلفت و نوکر دیده می‌شد. |
| تهیه آذوقه | تهیه آذوقه به‌علت زمستانهای طولانی و وجود خطرانی مانند قحطی، تهاجمات و ... | در خانه‌های اعیان همواره باید وفور نعمت باشد و نباید از این لحاظ هیچ کمبودی دیده شود. | نگرانی از بروز کمبود و سختی از لحاظ معیشتی | خانواده گسترده نقشبینه در واقع هم همسایه و هم خویشاوند بودند و در تهیه آذوقه مشارکت داشتند. | عمل تهیه آذوقه در مواقعی از سال فعالیتی عمومی برای عموم اهالی شهر بود. |
| غذا خوردن | نشستن روی زمین دور سفره غذا؛ صرف غذا در خوانچه‌ها | محل پهن کردن سفره غذا و نوع غذاها به وجود و نوع مهمان بستگی داشت. | احترام به نان و نمک و رعایت ادب در هنگام نشستن بر سر سفره | خویشاوندان در مهمانی‌های غیررسمی یا رسمی برای صرف غذا حضور می‌یافتند. | غذا خوردن عموم مردم زمان اطعام نذری و خیرات |



| تأمین آب | نیاز به آب برای استفاده روزانه | استقرار آب‌انبار در محلی که برای تمام اعضای خانه در دسترس باشد. | لزوم در دسترس بودن دائمی آب طاهر و پاک | تأمین آب برای کل اعضای خانواده گسترده نقشینه بود. | هر مجموعه‌خانه در محله آب‌انبار خاص خود را داشت و معمولاً نیازی به منبع آب دیگری نداشت. | عمل پر کردن آب‌انبارهای خانه‌های شهر دارای یک نظم عمومی ویژه‌ای بود. |
|------------------|---|--|--|--|---|--|
| خوابیدن | خوابیدن بر روی زمین و استفاده از لحاف و تشک و بالش در اتاق‌های اصلی که تماماً مفروش بودند. | به علت کاهش فعالیت‌های روزمره زندگی در شب به آهستگی جریان داشت. خواب زود هنگام و بیدار شدن برای نماز صبح | آرامش و سکینه و استراحت پس از تمام فعالیت روزانه | خوابیدن اعضای خانواده در اتاق یا اتاق‌های خاص خانواده خود. نکته: برای هر عروس در ابتدا یک اتاق تخصیص داده می‌شد و بعدها با ازدیاد تعداد خانواده تعداد اتاق‌ها بیشتر می‌شد. | شب ماندن خویشاوندانی که از راه دور می‌آمدند. | شب ماندن دوستان و شرکای تجاری که از راه دور می‌آمدند |
| پذیرایی از مهمان | هنگام ورود مهمان خدمتکاری به پیشواز می‌رفت و وی را به داخل هدایت می‌کرد. اگر غریبه‌ای به خانه می‌آمد در سکو داخل هشتی نشسته و منتظر می‌ماند. | مهمانداری شایسته لازمه خانواده سرشناس نقشینه بود؛ آمادگی دائمی خانه و اهالی آن و خدمتکاران برای پذیرایی از مهمان با ایجاد فضاهایی مزین و پاکیزه و مهیا بودن لوازم پذیرایی اعم از خوراکی‌ها و ... | احترام به مهمان نشانه آبروداری و مردمداری میزبان بود. | گاه هر خانواده مهمان خاص خود را داشت. | اغلب رفت‌آمدها با خویشاوندان و همسایگان با دعوت انجام می‌شد که تعداد مراسم‌ها نیز نسبتاً زیاد بود. نکته: تمام اهالی محله یکدیگر را می‌شناختند و روابط خویشاوندی نیز به دلیل نسبت‌های سببی گسترده بود. | در چهل روز ماه‌های محرم و صفر و برخی اعیاد و مناسبت‌ها خانه نقشینه پذیرای عموم مردم شهر بود. |
| نظافت | اغلب توسط کلفت‌ها و نوکرها انجام می‌شد. تمام خانه بخصوص بیرونی، حیاط، الف، هر روز آب و جارو می‌شد. | خانه‌ای چنین پرآمودشد نیاز زیادی به نظافت داشت. | خانه تمیز نشانه ادب و مهمانوازی و دینداری بود. خانه تمیز نشان از سلیقه خانم خانه و به تبع موجب حفظ آبروی خانه بود. | تمام اعضای خانه بویژه دختران ملزم به رعایت نظافت بودند. | در خانه‌تکانی‌ها به‌ویژه قبل از مراسم عزاداری همسایگان و خویشان نیز کمک می‌کردند، گرچه اغلب کارها توسط نوکران و کلفت‌ها انجام می‌شد. | خانه‌تکانی در اوقات خاص مانند پیش از عید نوروز یا ماه رمضان جنبه عمومی در شهر داشت. |
| سرگرمی | معمولاً برای رویدادهای مختلف تعداد زیادی مراسم در نظر گرفته می‌شد. نکته: در برخی مراسم چون شیرینی‌خوران زنان از اتاق‌های کله‌ای نظاره‌گر بودند. | وجود مراسم متنوع برای خانواده بزرگ و متمول نقشینه اجتناب‌ناپذیر بود. | مراسم و دوره‌های بصورت جمعی و خانوادگی انجام می‌شد. | اغلب سرگرمی‌ها و خانوادگی انجام می‌شد. | در دوره‌های غیر خانوادگی همسایگان و خویشان نیز حضور داشتند. | در مراسم مفصل مانند عروسی و دبدو بازدید عید در خانه بروی عموم مردم باز بود. |

گام دوم: تحلیل

موضوع مهم در مورد مجموعه‌خانه نقشینه آن است که نقشینه‌ها خود این خانه‌ها را نساخته‌اند؛ بلکه خانه‌های موجود را با ساختار و شرایط زندگی خود تطبیق دادند. فضاهای مجموعه‌خانه یک ترکیب منسجم و متوازن با کارکردهای متنوع و

در این گام سعی بر آن است که با اتکاء به اطلاعاتی که عمدتاً از طریق مصاحبه و مشاهدات میدانی بدست آمده و در جداول ۲ و ۱ مرتب شده است، روایت فضاها و ریز فضاهای موجود در مجموعه‌خانه نقشینه با نگاهی تحلیلی بازگو شود.





مختلف را شکل داده است. فضاهای اصلی خانه به شرح زیر معرفی و بررسی می‌گردد:

• ورودی‌ها: ورودی‌های خانه نسبت به فضایی که به آن باز می‌شدند ویژگی متفاوتی داشتند. ورودی اصلی خانه (شکل ۱۰)، به حیاط خانه بیرونی باز می‌شد. این ورودی دارای سردر آجرکاری شده و یک هشتی با سکوهایی داخل آن بود که الگوی ورود به خانه را تنظیم می‌کرد. ورودی دیگری نیز به بخش اندرونی وجود داشت که نسبت به ورودی اصلی، دارای طرح ساده‌تری بود. از این ورودی برای گذر زنان خانه و مهمانان زن استفاده می‌شد. در پشت این ورودی یک هشتی قرار دارد که نقش رابط میان اندرونی و بیرونی را نیز به عهده داشت. به تعبیری دیگر ارتباط میان اندرونی و بیرونی از طریق یک هشتی انجام می‌گرفت که ورودی زنانه نیز به آن ختم می‌شد (شکل ۱۱). ورودی حیاط فرعی نیز سومین ورودی این خانه بود که عمدتاً به منظور انتقال مایحتاج خانه شامل گوشت و حبوبات و نیز اسب‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. این ورودی در گوشه حیاط فرعی و در مکانی قرار داشت که چندان در معرض دید نبود.



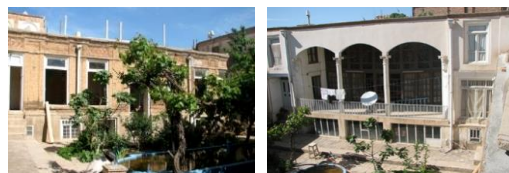
شکل ۱۱. فضای ارتباطی میان بیرونی و اندرونی، و ورودی اتاق خدمتکار در سمت راست



شکل ۱۰. ورودی اصلی خانه. در کوچک سمت چپ ورودی پله اتاق بالای ورودی است

• حیاط‌ها: هنگامی که برادران نقشینه مالک دو خانه کامل شدند، آنها را چون یک خانه بزرگ با چهار حیاط اداره کردند. حیاط‌های خانه هر یک واجد ویژگی خاص خود بود که بسته به اندازه و موقعیت آنها در مجموعه‌خانه و نسبت به معبر، و نوع فضاهای اطراف آنها، صحنه‌ها و رفتارهای متفاوتی در آنها رخ می‌داد. این ویژگی‌ها در مجموع موجب شکل‌گیری خانه‌های بیرونی و اندرونی شده بود. حیاط‌ها صحنه پرجنب‌وجوش زندگی و عرصه فعالیت‌های بسیاری همچون تردد مداوم برای رفتن به فضاهای اطراف، بازی کودکان، استراحت در تابستان، شستشو، تدارکات و مانند این‌ها بود. حیاط بزرگ خانه بیرونی، (حیاط الف)، به‌علت برپایی چادر در آن و برگزاری مراسم عزاداری، حسینه نامیده می‌شد. این حیاط همراه با فضاهای اطراف خود چون طنبی، اتاق‌های شرقی، ورودی اصلی، مطبخ و سردآب، بخش رسمی و محل نمایش جایگاه اجتماعی نقشینه‌ها بود (اشکال ۱۲ و ۱۳). پذیرایی از مهمانان مرد، برگزاری مراسم عزاداری و مرثیه‌خوانی و اطعام خیرات برای مردان در این فضاها انجام می‌شد. نقشینه‌ها از خانواده‌ها و تجار معروف زمان خود بودند و ارادتی خاص به اهل بیت (ع) و التزام به برگزاری مفصل مراسم عزاداری محرم و صفر داشتند. آمدوشد مهمانان اعم از دوستان، خویشان و تجار از دیگر شهرها امری معمول بود. لذا لازم بود فضاهایی شایسته برای پذیرایی از مهمانان و

جمعیت بسیاری که برای عزاداری و دیگر مراسم به خانه می‌آمدند، اختصاص داده شود. در مجموع خانه بیرونی وجه عمومی و اجتماعی نقشینه‌ها و صحنه‌ای بود که تمایل به نمایش آن داشتند. لذا برای بهتر جلوه دادن آن تلاش می‌شد. حیاط کوچک خانه بیرونی نیز حیاط تدارکاتی و فرعی در خدمت فضاهای اصلی بود، حیاط پشتی (دال^{۱۲} حیط) خوانده می‌شد. حیاط پ همچون اتاقی روباز فضایی مشترک و پر تردد در میان خانه ایجاد کرده بود. در حیاط‌های الف و ت به واسطه وجود حوض بزرگ میانی و باغچه‌های سرسبز، فضایی مصفاً ایجاد شده بود. از آنجا که در اتاق‌ها روی زمین می‌نشستند، پنجره‌ها تا ارتفاع کف اتاق پایین آمده بود تا افراد بتوانند از چشم‌انداز حیاط و روشنایی روز بهره‌گیرند، چراکه صحنه حیاط تنها منظره‌ای بود که از پنجره اتاق‌ها قابل دیدن بود.



شکل ۱۲. نمایی از اتاق طنبی در وجه شمالی حیاط بیرونی (الف) و فضاهای الحاقی در زیرمین

شکل ۱۳. نمایی از اتاق‌های وجه شرقی حیاط بیرونی (الف)

• اتاق‌ها: خاص‌ترین اتاق مجموعه‌خانه نقشینه اتاق پذیرایی یا طنبی بود (شکل ۱۴). طنبی اتاقی بزرگ در میان خانه بیرونی و دربرگیرنده نمای اصلی حیاط بیرونی (حیاط الف) بود. این اتاق مزین محل مهمانی‌های رسمی و اغلب مردانه بود که البته در برخی از مهمانی‌ها زنان در اتاق کله‌ای

می‌نشستند. مهمانی‌های خاص زنان در اتاق بزرگ اندرونی برگزار می‌شد. در واقع به غیر از طنبی که کاربرد معمول آن پذیرایی از مهمان بود و اتاق‌های خدمتکاران، اتاق‌های دیگر کاربردی خاص نداشتند و پذیرای صحنه‌های مختلف زندگی اهالی خانه بودند. اتاق‌های اندرونی میان خانواده‌های ساکن در مجموعه‌خانه تقسیم شده بود. اتاق‌های خانه فضاهایی پاکیزه و مرتب بودند که مناسب برای نشستن، نماز خواندن، پذیرایی از مهمان، گسترده سفره غذا، استراحت و ... بودند. تمام این فعالیت‌ها بر روی زمین انجام می‌گرفت. در اتاق‌های خانه یک نظم مشترک برای چیدمان اثاث وجود داشت: اثاثی ساده که شامل فرش، پشتی و زیراندازی کوچک مقابل آن که مکان نشستن بزرگان را مشخص می‌کرد، بخاری‌های دیواری، ظروف و چراغ‌ها و لاله‌ای‌هایی درون اتاقچه‌هایی که در هر اتاق تعدادی از آنها در دیوار تعبیه شده بود و گاه آویزهای سقفی و نیز پنجره‌های بزرگ رو به حیاط (شکل ۱۵). واضح است که اثاث و تزئینات طنبی به مراتب نفیس‌تر و باارزش‌تر از سایر اتاق‌ها بود. درهای میانی اتاق‌ها این امکان را ایجاد می‌کرد که در مواقع لزوم با گشودن آنها فضایی پیوسته برای پذیرایی از مهمانان ایجاد گردد. راهروها یا فضاهای رابط میان اتاق‌ها نیز صرفاً اتصال‌دهنده نبودند، بلکه علاوه بر اینکه پیش‌ورودی اتاق‌های اصلی بودند، خود اتاق‌های کوچکی بودند که به مثابه اتاق‌های





شکل ۱۵. فضای داخلی اتاق‌های شرقی حیاط الف
شکل ۱۶. راهروی غربی؛ در چوبی مقابل تصویر ورودی اتاق کله‌ای است.

فرعی مورد استفاده خانواده قرار می‌گرفتند (شکل ۱۶).



شکل ۱۴. فضای داخلی طبی

ملزومات و مایحتاج زندگی بصورت نیمه خودکفا عمل می‌کرد.



شکل ۱۸. حوضخانه در زیرزمین خانه بیرونی



شکل ۱۷. زیرزمین غربی خانه بیرونی



شکل ۱۹. مطبخ، و انبار آذوقه در انتهای آن؛ و در ارتباطی بیرونی و اندرونی

• فضاهای خدماتی: اعضای خانواده نقشینه بالنسبه زیاد بود بنابراین مجموعه‌خانه‌ای چنین پرجمعیت و با آمدوشد بسیار، نیاز به فضاهای خدماتی مفصل داشت؛ زیرزمین‌های وسیع در خانه‌های اندرونی و بیرونی برای ذخیره مواد غذایی (شکل ۱۷)، حوضخانه (شکل ۱۸)، آب‌انبار و مطبخی بزرگ برای استفاده مشترک اندرونی و بیرونی (شکل ۱۹)، اصطبل بزرگ و حیاط کوچک بیرونی که در مواقع مورد نیاز تبدیل به آشپزخانه می‌شد. چندین خدمتکار مرد و زن عهده‌دار انجام کارهای خانه بودند که فضاهایی برای زندگی آنها در اندرونی و بیرونی وجود داشت؛ خدمتکاران چون عضوی از خانواده بودند. عدم وجود کمبود در خانه و وفور نعمت از بایسته‌های خانواده متمول و نامدار نقشینه بود. به‌طور کلی با نظر به مجموع فعالیت‌های معیشتی در خانه می‌توان گفت مجموعه‌خانه نقشینه در انجام امور معیشتی و تدارکاتی چون تأمین، آماده‌سازی و ذخیره

گام سوم: ترکیب

اول، به تحلیل توصیفی جزء فضاهای خانه در گام دوم انجامید. نتایج دو گام نخست در گام سوم ترکیب شده و در نهایت تعمیمی جامع از پیوندهای اساسی خانه و فرهنگ حاصل گردیده

نتایج حاصل از تفکیک مفاهیم و تبیین ارتباطات میان مؤلفه‌های محیط (فضا، زمان، معنی و ارتباطات) و فرهنگ (نظام‌های فعالیت) در گام



است. در این بخش با توجه به ساختار مجموعه‌خانه نقشینه و ویژگی‌های آن، به ساختار اساسی خانواده گسترده نقشینه پرداخته می‌شود. تبیین پیوندها و ارتباطات اساسی در این رابطه حاصل این گام خواهد بود.

ساختار کالبدی مجموعه‌خانه نقشینه مختصاتی خاص خود دارد. عینیت شکل گرفته در این خانه بازتابی از نظام‌های فعالیت، الگوهای رفتاری و هنجارها، معانی و ارزش‌های متضمن آنها بوده است. الگوهایی چون وجود دو حوزه زنانه و مردانه تفکیک شده و در عین حال مرتبط، چیدمان فضاها حول فضاهای باز، وجود فضاهای مشترک، وجود مظاهر بیرونی چون فضاهای مهمان و تزئینات و ... منبعث از الگوهای رفتارهای جاری یا شیوه زندگی اهالی این خانه است که در درجه اول واجد معانی ابزاری و کارکردی خاص اهالی خانه بود. این معانی به نوبه خود از نظام‌های ارزشی

جامعه منبعث شده بودند؛ جامعه‌ای که در طی نسل‌ها و در بستر مکانی شهر تبریز با یک نظام سنتی، باورها و ارزش‌های خود را شکل داده بود (سطوح سه‌گانه معنی). در جدول ۳ سعی شده است پیوندهای اساسی که ساختار خانه نقشینه و زندگی خانواده گسترده نقشینه در دوره قاجار و اوایل پهلوی را شکل داده است، به تصویر کشیده شود. پیوندهای نهادینه شده حاکی از این است مجموعه‌خانه نقشینه چون نهادی عمل می‌کرد که قادر بود در کنار حفظ انسجام خود و فراهم کردن بستر زندگی برای تعداد زیاد اهالی خانه در فضاهای محدود خانه، تأمین آذوقه و آب و سایر مایحتاج خود را در درون خانه مدیریت کند و هم‌زمان با حفظ جایگاه اجتماعی خود، مانع تداخل نظام‌های فعالیت‌های مختلف زیستی، معیشتی و اجتماعی بسایک‌دیگر شود.

جدول ۳. پیوندهای اساسی میان ساختار خانه نقشینه و فرهنگ اهالی آن

| پیش سوم | پیش دوم | پیش اول | الگوی کالبدی |
|---------------------------------|---|--|---|
| نظام‌های ارزشی | معانی ابزاری و کارکردی | نظام‌های فعالیتی | |
| شیوه زندگی مبتنی بر پدرسالاری | - اهمیت زندگی مشارکتی - اهمیت پیوندهای خانوادگی | - زندگی به صورت یک خانواده گسترده - زندگی دو برادر و اعضای خانواده آنها در کنار یکدیگر در یک خانه - تلاش همه اعضا جهت گذران امور زندگی | خانه به شکل یک مجموعه برای زندگی چند خانوار |
| لزوم حفظ حرمت و محرمیت در زندگی | - کاهش دید نسبت به بخش خصوصی خانه - حفظ حریم خصوصی و آسایش روانی | - محدود نمودن رفت و آمد زنان - انتقال محدوده فعالیت زنان به بخش زنانه | تفکیک حوزه اندرونی و بیرونی |
| | - خلوت‌گزینی - تأمین نیاز به تنهایی | - خواب و استراحت - انجام فعالیت‌های عبادی و راز و نیاز | ساخت پستو در پشت اتاق‌ها به ویژه سه دری‌ها |
| اهمیت اصل سلسله مراتب | - محدود نمودن دسترسی بصری و فیزیکی به فضاهای زندگی | - عدم امکان ورود مستقیم به فضاهای مختلف خانه | وجود پیش ورودی برای هر فضا |
| مردم داری | - مهمان‌نوازی و صله ارحام | - پذیرایی از مهمان - اطعام نذری و خیرات - برگزاری آیین‌های مذهبی مانند مراسم سوگواری و مولودی خوانی | اختصاص فضایی خاص به مهمان |
| حفظ برکت در خانه | - حفظ آسایش زیستی | - وجود خواست‌ها و نیازهای مشترک | وجود فضاهای خدماتی |



| وسیع در خانه | میان اهالی خانه | | |
|--|---|--|---|
| حیاط خدماتی؛ اتاق‌های خدمتکاران؛ و انبارهای وسیع | - برگزاری مراسم مختلف از جمله پذیرایی از مهمان | - زندگی به شیوه اعیان؛ - عدم نگرانی از وجود نعمت در ایام سخت سال؛ | حفظ شأن و جایگاه اجتماعی خانواده در جامعه |
| گسترش وسعت و ارتقاء تزیینات حیاط بیرونی نسبت به حیاط اندرونی | - تهیه آذوقه و خوراک - انجام امور خانه توسط خدمتکاران | - توجه به مظاهر بیرونی خانه در نگاه دیگران - اهمیت مسئله اقتصادی در زندگی خانواده | |
| تعدد ورودی‌های خانه | - تفکیک عبور زنان از مردان - اختصاص ورودی فاخرتر برای مهمانان - انتقال آذوقه و خوراک از یک ورودی مجزا | - پابندی به روابط تنظیم شده - تبعیت از قوانین پذیرفته شده | سنت گرایی؛ لزوم توجه به باورهای عرفی و مذهبی رایج |
| کارکرد چند منظوره اتاق‌ها | - انجام کلیه فعالیت‌های روزمره اهالی در اتاق‌ها - اختصاص چند اتاق به یک خانواده | - پابندی به روابط تنظیم شده | قناعت |
| درونگرا بودن خانه | - چینش فضاهای بسته پیرامون یک فضای باز و منظم هندسی | استفاده از هندسه مرکزگرا هم در چیدمان فضاها و هم در تزیینات | اهمیت اصل سیر از کثرت به وحدت در زندگی |

نتیجه‌گیری

در نهایت نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که آنچه در ارتباط با فرهنگ و محیط در خانه نقشینه وجود دارد حاصل هم‌سازی چهار عامل فضا، زمان، معنی، و ارتباطات با یکدیگر و نیز با نظام فعالیت‌های موجود در خانه بوده است. در این خانه سازماندهی فضا و زمان با سطوح مختلف ارتباطات اجتماعی هم‌خوانی داشته است. عامل معنی نیز به‌عنوان هدایت‌گر جنبه‌های دیگر عمل می‌کرده است. معانی چون ارزش‌ها، قوانین و الگوهای رفتاری در میان اعضای وابسته به مجموعه‌خانه به یکسان درک می‌شده و در چگونگی و چرایی انجام فعالیت‌ها تأثیرگذار بوده است. در واقع می‌توان گفت مجموعه‌خانه نقشینه ترکیبی همگن از معانی عرفی، اعتقادی، زیستی، اجتماعی و ... بود که ظهور و بروز آنها در نظام‌های فعالیت و به تبع در فضاها و نظام کالبدی خانه نمود یافته است. پیوندهای ایجادشده تحکیم‌کننده یکدیگر در راستای شکل‌دهی به ترکیب کلی خانه بودند و این انتظام تا زمانی که

در تحقیق حاضر تلاش شده است روشی برای شناخت خانه از دریچه ارتباط با فرهنگ ساکنان آن معرفی گردد. بر همین اساس خانه قاجاری نقشینه در تبریز به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شد. نظام‌های فعالیت موجود در خانه که بر اساس مصاحبه‌های انجام‌گرفته استخراج گردیده بود به‌عنوان عینی‌ترین مظاهر فرهنگ در چهار حوزه فضا، زمان، معنی، و ارتباطات، به‌عنوان اجزای محیط مورد مطالعه قرار گرفت. روند انجام تحقیق بر اساس آراء آموس راپاپورت و روش پیشنهادی وی در سه گام تفکیک (تبیین ارتباطات میان نظام‌های فعالیت و چهارگانه محیط)، تحلیل (تحلیل فضاهای خانه از منظر الگوهای کالبدی و رفتاری مرتبط) و ترکیب (تبیین پیوندهای اساسی ساختار خانه با فرهنگ براساس سطوح سه‌گانه معانی مرتبط) انجام شد و سعی شد فهمی جامع از نسبت محیط و فرهنگ و سازوکار تأثیرگذاری این دو بر یکدیگر حاصل گردد.



پی‌نوشت‌ها

۱. Settings

۲. Dismantling

۳. نادر میرزا این محله را در دوره قاجار چنین وصف می‌کند: «کوی کوچک است در نفس شهر و قرب بازار. اهل این محلت همه بزرگان و علما و تجار بانام است. اواسط الناس در آن کمتر باشد» (نادر میرزا، ۱۳۷۳، ۶۳). این ویژگی به علت موقعیت این محله بود که در مرکز شهر در جوار بازار بزرگ تبریز و بناهای حکومتی قرار داشت.

منابع فارسی

- اردوبادی، محمد سعید. ۱۳۸۴. تبریز مه آلود. ترجمه رحیم رئیس نیا، ج ۱. تهران: انتشارات نگاه.
- افشار سیستانی، ایرج. ۱۳۶۹. نگاهی به آذربایجان شرقی: مجموعه‌ای از اوضاع تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی. ج ۲. تهران: نشر رایزن.
- افشاری، محسن و پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۵. مقیاس‌های روش زندگی در مسکن. مسکن و محیط روستا (۱۵۴): ۳-۱۴.
- افشاری، محسن و پوردیهیمی، شهرام و صالح صدق پور، بهرام. ۱۳۹۴. سازگاری محیط با روش زندگی انسان (یک چارچوب نظری، یک مطالعه موردی). مسکن و محیط روستا (۱۵۲): ۳-۱۶.
- باشلار، گاستن. ۱۳۹۱. بوطیقای فضا. ترجمه مریم کمالی و محمد شیربچه. تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۰. فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا (۱۳۴): ۳-۱۸.
- حایری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

نظام سنتی جامعه برقرار بود، در ساختار خانواده وجود داشت و طی نسل‌ها منتقل می‌شد.

نکته حائز اهمیت دیگر مزیت کاربرد دیدگاه راپاپورت برای فهم نسبت محیط و فرهنگ است. در این روش علاوه بر جلب توجه نسبت به ابعاد غیرکالبدی محیط، روش مند بودن و در عین حال انعطاف‌پذیری روش جامع پیشنهادی وی قابل توجه است. وجود روش کلی از بیراهه رفتن فرآیند تحقیق جلوگیری می‌کند و هدایت‌گر مراحل تحقیق است. از طرفی مصادیق مختلف معماری مطابق با روش مذکور قابل مطالعه هستند و امکان متناسب کردن این روش با ویژگی‌های خاص مصادیق نیز وجود دارد. با نظر به تجربه مقاله در خوانش یک مصداق تاریخی پیشنهاد می‌گردد به مواردی چون انجام مطالعات مقدماتی به منظور آشنایی و درک بستر مکانی و زمانی مصداق و تقرب به آن و توجه به قدمت مصادیق، تا جایی که شواهد فرهنگی مادی و غیرمادی آن از بین نرفته باشد، در کاربرد دیدگاه راپاپورت برای مطالعه و شناخت موضوع توجه گردد. همچنین ذکر این نکته نیز قابل توجه است که کاربرد روش اتخاذ شده برای شناخت خانه نقشینه می‌تواند برنامه و روشی پیشنهادی برای انجام چنین مطالعاتی به‌شمار آید. لذا می‌توان با افزایش تعداد مصادیق و بسط دادن دامنه زیرگروه‌های فرهنگی به الگوها و قواعد کلی برای ارزیابی و حتی طراحی محیط دست یافت. امروزه که بسیاری از شواهد فرهنگی مربوط به خانه‌های گذشته در حال از بین رفتن هستند، کاربرد راهبرد این تحقیق برای شناخت خانه‌ها می‌تواند منجر به باززنده‌سازی بخشی مهم از تاریخ معماری ایران شود.



- خاکپور، مژگان و انصاری، مجتبی و شیخ مهدی، علی و طاووسی، مهدی. ۱۳۹۴. ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی مسکن بومی. مسکن و محیط روستا (۱۴۹): ۳-۱۲.
- خاماچی، بهروز. ۱۳۸۶. شهر من تبریز. تبریز: نشر ندای شمس.
- راپاپورت، آموس. ۱۳۸۸. انسان‌شناسی مسکن. ترجمه خسرو افضلیان. تهران: نشر حرفه هنرمند.
- سرداری نیا، صمد. ۱۳۸۱. تبریز شهر اولین‌ها. تبریز: کانون فرهنگ و هنر آذربایجان.
- سلطان زاده، حسین. ۱۳۷۶. تبریز خشتی استوار در عمرانی، بهروز و اسمعیلی سنگری، حسین. ۱۳۸۴. بافت تاریخی شهر تبریز. تهران: نشر سمیرا.
- فخار تهرانی، فرهاد و پارسی، فرامرز و بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۴. بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.
- گروت، لیندا و ونگ، دیوید. ۱۳۸۸. روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گروت، یورگ کورت. ۱۳۸۳. زیبایی‌شناسی در معماری. ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لیب‌زاده، راضیه و نقره‌کار، عبدالحمید و حمزه‌نژاد، مهدی و خان‌محمدی، محمدعلی. ۱۳۹۴. بازخوانی سازمان فضایی خانه براساس متون اسلامی به روش EBS و تطبیق آن با اولویت‌های روابط فضایی از دیدگاه الکساندر و لنگ. مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۲۲): ۵-۲۱.
- مداحی، سید مهدی و معاریان، غلامحسین. ۱۳۹۷. خوانش پیوند سازمان فضایی خانه و شیوه زندگی در معماری بومید (مطالعه موردی: شهر بشرویه). مسکن و محیط روستا (۱۶۴): ۶۹-۸۵.
- نادر میرزا. ۱۳۷۳. تاریخ و جغرافیای دارا سلطنه تبریز. به تصحیح و تحشیه غلامرضا طباطبائی مجد. تبریز: نشر ستوده.
- نامداری، آیدا و شکوری، رضا. ۱۳۹۷. ساز و کارهای به کارگرفته شده به منظور سازما ندهی محیط در کالبد حداقلی (مبتنی بر نظریه سازمان دهی محیط راپوپورت؛ نمونه موردی: مسکن عشایرقشقای). باغ نظر ۱۵ (۶۷): ۱۶-۵.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. ۱۳۸۲. گزیده‌ای از معماری: معنا و مکان. ترجمه ویدا نوروز برازجانی. تهران: نشر جان و جهان.
- یزدانفر، سیدعباس و ضرابی‌الحسینی، مهسا. ۱۳۹۴. تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه، مطالعه موردی: شهرستان ارومیه. نشریه علمی پژوهشی انجمن معماری و شهرسازی ایران (۱۰): ۴۵-۶۱.

منابع لاتین

- Asifa, Nayeem; Utabertab, Nangkula; Sabila, Azmal Bin & Sumarni Ismaila. 2018. Reflection of cultural practices on syntactical values: An introduction to the application of space syntax to vernacular Malay architecture. *Frontiers of Architectural Research* (7): 521-529.
- Cooper_Marcus, C. 1995. *House as a Mirror of Self: Exploring the Deeper Meaning of Home*. Berkeley: Conari Press.
- Ece Postalıcı, İkbāl & Atay, Güldehan Fatma. 2019. Rethinking on Cultural Sustainability in 3 Architecture: A reading on Projects of Behruz Çinici. *Sustainability* (11): 10-27.
- Gauvain, M. & Altman, I. & Fahim, H. 1983. *Homes and Social Change: a Cross-Cultural Analysis*, In *Environmental Psychology: Directions and Perspectives*. York: Praeger.
- Hayward, G. 1977. Psychological Concepts of Home among Urban Middle Class Families with Young Children. *Journal of Institute of Planners* (28): 23-31.
- Lawrence, R. J. 1995. Deciphering home: an integrative historical perspective. In: Benjamin and Stea.
- Lawrence, Roderic. 1991. *Housing, Dwellings and Homes: Design Theory*,



Research and Practice. Canada: John Wiley & Sons.

– Oliver, P. 1981. The cultural context of shelter provision, in I. Davis (ed.) Disasters and the Small Dwelling. Oxford: Pergamon Press.

– Rainwater, L. 1966. Fear and the House as Haven in the Lower Class. *Journal of the American Institute of Planner* (12): 23-31.

– Rapoport, A. 1969. House form and culture. Englewood Cliffs: Prentice-Hall.

– Rapoport, A. 1992. Interview with Amos Rapoport. *Journal of Arch. & Comport. / Arch. & Behav.* 8 (1): 93-12.

– Rapoport, A. 2003. *Cultura, Arquitectura y Diseño*. Barcelona: Edicions de la Universitat Politècnica de Catalunya.

– William, Michelson & Paul M. Reed. 1970. *The Theoretical Status and Operational Usage of Life Style in Environmental Research*. Toronto: University of Toronto.

